

## مسیرهای ممکن برای توسعه پایدار افغانستان در قرن بیست و یکم

نبیه شبینم خطیبی؛ عضو اکادمی رهبری زنان

استاد راهنما: عبدالقاهر بهشتی؛ رئیس برنامه‌های موسسه AELSO

### چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی چالش‌ها و مسیرهای ممکن برای توسعه پایدار در افغانستان در قرن بیست و یکم انجام شده است. این کشور با موانع اقتصادی، امنیتی، و اجتماعی چالش برانگیز روبرو شده است که نیازمند راهکارهای جدید و هماهنگ برای ارتقاء وضعیت جامعه است.

در مبحث اول، چالش‌های اساسی افغانستان از جمله ناپایداری امنیتی، فساد، بیکاری، و ناکارآمدی نظام اداری مورد بررسی قرار می‌گیرد. تحلیل عمیق این چالش‌ها پیشنهادات اساسی برای حل آنها را به دنبال دارد.

در مبحث دوم، در این بخش مسیرهای ممکن برای توسعه پایدار را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. این بخش شامل تقویت امنیت، ترویج آموزش و پرورش، توسعه صنایع محلی، مشارکت سیاسی و ایجاد شفافیت در اداره مالیاتی می‌شود.

در نهایت، نتیجه‌گیری‌های کلی از تحلیل مسیرها و راهکارهای ارائه شده را ارائه می‌دهد و پیشنهادات برای دولت افغانستان، جوامع بین‌المللی، و نهادهای مرتبط را جهت ایجاد توسعه پایدار در این کشور ارائه می‌نماید.

این تحقیق، با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای و منابع رسانه‌ای و تحقیقاتی معتبر و تحلیل گسترده، تصویر جامعی از چالش‌ها و امکانات توسعه پایدار در افغانستان ارائه شده انجام میشود.

**کلید واژه‌گان:** مسیرها، توسعه، چالش‌ها، امکانات، توسعه پایدار، افغانستان

افغانستان، کشوری با تاریخ طولانی و پرپیچ وخیم، از دهه‌ها گذشته با چالش‌های بزرگی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی روبه‌رو شده است. پس از سال‌ها جنگ‌های داخلی، تداوم تهدیدات امنیتی، و مشکلات جاری توسعه، نیاز به یافتن راهکارهای کارآمد و پایدار برای بازسازی و توسعه این کشور احساس می‌شود. در قرن بیست و یکم، توسعه پایدار افغانستان نیازمند تدوین استراتژی‌ها و مسیرهای موثر و تامین منابع به‌منظور تضمین پیشرفت بلندمدت است.

امروزه، مواجهه با چالش‌های گسترده‌ای چون فقر، بیکاری، تحصیل و سلامت عمومی، نارضایتی‌های اجتماعی، و تأثیرات تغییرات اقلیمی، توسعه پایدار را به چالش کشیده است. این مقاله سعی دارد به بررسی مسیرهای ممکن برای توسعه پایدار در افغانستان در دهه‌های آینده بپردازد و راهکارهای مؤثری را به‌منظور افزایش کیفیت زندگی مردم این کشور ارائه می‌دهیم.

بررسی تجارب کشورهای موفق در زمینه توسعه پایدار، تحلیل چالش‌ها، مشارکت و اجتماعات سیاسی و اقتصادی افغانستان، و بررسی چارچوب‌های بین‌المللی مرتبط با توسعه، از جمله مواردی است که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

در پایان، اهمیت همکاری بین‌المللی و تعامل مثبت با جوامع بین‌المللی نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت، زیرا تأثیرات توسعه پایدار در یک کشور می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم بر کشورهای همسایه و جهانی نیز اثرگذار باشد. این مقاله به عنوان یک نقطه شروع برای تفکر و بحث در زمینه توسعه پایدار در افغانستان، به دنبال ارائه راهکارها و سیاق‌های جدید جهت ساماندهی توسعه بلند مدت این کشور در مسیر توسعه پایدار است.

## چالش‌ها و موانع

در این بحث به بررسی چالش‌های اصلی افغانستان می‌پردازد از جمله ناپایداری امنیتی، فساد، بیکاری و ناکارآمدی نظام اداری در این مقاله اهمیت اساسی دارد تا بهترین راهبردی برای حل آنها شناسایی شوند.

## الف: ناپایداری امنیتی:

وضعیت ناپایدار امنیتی در افغانستان یکی از چالش‌های بزرگی است که این کشور در قرن بیست و یکم با آن مواجه است. این ناپایداری امنیتی به اثرات چندگانه اقتصاد، جامعه، و حتی توسعه پایدار افغانستان افزوده است.

بدون شک که در افغانستان سه دهه شاهد بزرگترین جنایت های جنگی بوده است. هر گروهی که قدرت را به دست گرفته به درجات گوناگون بر مردم ستم روا داشته است. سال های جنگ و تلاش همراه با خشونت برای زنده ماندن و سلطه ی ایدئولوژی هایی که کشتار و نابودی هر مخالفی را به آسانی توجیه می کنند، موجب شده اند که ما آدم های بی عاطفه ، بی رحم و خون ریزی به فراوانی داشته باشیم ، فرهنگ کشتار و شکنجه در کمتر فرهنگ و جامعه ای تا این اندازه مقبولیت دارد که در افغانستان امروز مورد پذیرش است . کار به جایی کشیده است که انسان های افغانستان گمان میکنند، هر چیز را می شود با زدن و کندن مسیر درستی داد. مردان و زنان مدافع حقوق بشر و نمایندگان جامعه ای مدنی از کمبود اعدام در افغانستان انتقاد می کنند. در محاوره های روزمره ی ما کلمه ی ( مباح الدم ) رایج ترین کلمه ای است که آدم میتواند بشنود . گردن زدن ، سنگسار کردن، بر روی ماین انفجار دادن دسته جمعی انسان ها از اعمال آنانی شده است که برای تحقیق اهداف شان توسل به قهر را تقدیس می کنند . صدها هزار خانواده ی داغدار در این کشور وجود دارند . این در حالی است که هزاران جنایت کار خرد و کلان با پناه بردن به قوم و زور و یا به پاکستان از مجازات قانونی در گریز اند. و آنچه که در افغانستان قابل بحث است کسانیکه که اعتقاد تضاد هم دارند یکدیگر خود را به خیانت و یا تکفیر متهم میکنند و کناده آمدن یا هم حسن مذاکره را نمیدانند و یا هم قبول ندارند در کل عادت ندارند سخن مخالف را بشنوند. این تشنج ها سبب شده است ، اتحاد را از میان بردارد و اخلال امنیت را بار آورده است. ( سپنتا ، ص ۱۷۷).

### **ب: فساد اداری:**

فساد اداری یکی از چالش های جدی در افغانستان است که تأثیر عمیقی بر توسعه پایدار و عدالت اجتماعی این کشور دارد. فساد در سطوح مختلف دولتی، از جمله نظام قضائی، نظام اداری، و حتی در خدمات عمومی رایج است. با وجود مقررات و قوانین که برای جلوگیری فساد در افغانستان به تصویب رسیده و مجازات برای مجرمین تعیین کرده است عدم تطبیق این قوانین در تمام سطوح و فرار مجرمین با داشتن خویشتنداری ها یا امتیازات قومی سبب تشدد فساد اداری گردیده است. نظر به میثاق مبارزه با فساد اداری ماده پانزدهم بیان میدارد که تقاضا یا قبول مستقیم یا غیر مستقیم منفعت نامشروع توسط کارکن دولتی برای خودش و یا شخص و یا نهاد دیگری جهت انجام یا امتناع از انجام وظایف رسمی، جرم بوده و مرود پی گرد قانونی قرار میگیرد.<sup>1</sup>

<sup>1</sup> میثاق مبارزه علیه فساد اداری ، نمبر مسلسل (۹۳۶) ، وزارت عدالیه ، ۱۳۸۶

از این برداشت میشود که در افغانستان فساد اداری و عدم تطبیق قوانین مسبب جنایات و ناپایداری امنیتی شده است. برای مبارزه آن باید تلاش صورت گیرد.

۱- مشارکت هرچه بیشتر مردم در فرآیند مبارزه با فساد اداری: فساد مساله ای نیست که دولت افغانستان به تنهایی بتواند با آن مبارزه کند. تصور اینکه تنها دولت افغانستان در این زمینه مسئول است، اشتباه است. برای تحقق مشارکت هرچه بهتر مردم، مسئول دولتی باید آدرس هایی برای طرح و رسیدگی به شکایات مردم ایجاد کنند. همچنین جامعه جهانی نیز نباید دولت افغانستان را در حل این مساله رها کند.

۲- به وجود آمدن اراده جدی در مبارزه علیه فساد اداری در سطوح کلان سیاسی: ضعف اراده جدی در دولت مردان و سیاست مداران باعث میشود از مفسدین در سطوح مختلف اجتماعی حمایت صورت گیرد و آنها همیشه در سایه این حمایت از موقعیت شان سوءاستفاده کنند. تداوم این عمل، حمایت صورت را از دولت برخواهد داشت و شکاف عمیقی میان مردم و دولت ایجاد خواهد کرد.

۳- نظارت جدی دولت بر عملکرد دستگاه های قضایی و پلیس به عنوان مجرمان قانون: سیستم قضایی و پلیس افغانستان نیازمند بازنگری جدی است. تا زمانی که این سیستم اصلاح نشود نمیتوان امیدوار بود که قانون در جامعه اعمال شود و به تبع آن عدالت در جامعه توزیع گردد.

۴- استفاده از ظرفیت های اجتماعی فرهنگی جامعه: علمای دینی افغانستان، با توجه به موقعیت اجتماعی خود میتوانند نقشی برجسته در مبارزه با فساد اداری ایفا کنند. نباید این ظرفیت را نادیده گرفت. یقیناً با استفاده از ظرفیت های آنان میتوان قدم هایی خوب در جهت مبارزه علیه فساد اداری برداشت.

۵- تدوین یک استراتژی جامع و بلند مدت با اهداف مشخص در مبارزه با فساد اداری: مبارزه با فساد اداری زمانی میتواند نتیجه مطلوبی داشته باشد که به صورت برنامه ریزی شده باشد، شرایط و نیازهای جامعه افغانستان در آن در نظر گرفته شده باشد. همچنین اراده جدی در سطوح بالای دولت و حمایت مردم را با خود داشته باشد. استراتژی موجود مبارزه علیه فساد اداری باید مورد بازنگری قرار گیرد و از حالت دستورالعملی به اجرایی تغییر شکل دهد.

۶- تقویت نهاد های جامعه مدنی و رسانه ها در مبارزه علیه فساد اداری: در کشورهایی که دولت به هر دلیلی نمیتواند مسئولیت خود را در عرصه های مختلف به خوبی ایفا کند، این نهادهای جامعه مدنی و رسانه ها هستند که به عنوان بازوی حکومت نقشی مهم در تغییر وضعیت ایفاء میکنند. نهاد های جامعه مدنی و رسانه ها میتوانند هم در سطح محلی و هم در سطح ملی و بین المللی در مبارزه با فساد اداری

اثر بخش باشند. لذا تاکید بیشتر بر نقش و عملکرد آنها در این باره میتواند نتایج خوبی راه به همراه داشته باشد.

۷- بهبود وضعیت معیشتی کارمندان دولت: بهبود وضعیت معیشتی کارمندان ارتباط مستقیمی با کاهش میزان فساد اداری در سیستم اداری دولت دارد. نتایج بدست آمده از این نظر سنجی نشان می دهد. که اغلب پاسخگویان معتقد هستند بالا بردن معاش کارمندان میتواند یکی از ابزارهای مناسب در مبارزه با فساد اداری باشد. در بسیاری از تحقیقات انجام شده در سطح دنیا، از این عامل به عنوان یکی از ابزارهای مهم در مبارزه با فساد اداری یاد شده است.

۸- توسعه سیستم دولت الکترونیک: یکی از عوامل ناکارآمدی سیستم اداری افغانستان، کهنگی و سنتی بودن آن است؛ این عامل باعث میشود که زمینه های بروز فساد اداری در افغانستان گسترش پیدا کند. توسعه سیستم دولت الکترونیک میتواند بوروکراسی عریض و طویل دولت را کاهش دهد و سرعت انجام امورات اداری را افزایش دهد و گسترش سیستم دولت الکترونیک باعث میشود که مراحل ارزیابی، نظارت و شفافیت در امور اداری با دقت و سهولیت بیشتری انجام شود و زمینه های بروز فساد اداری را کاهش دهد.

۹- قرار دادن بحث مبارزه با فساد اداری در منافع آموزشی و کتاب های درسی: از فساد اداری به عنوان یکی از مهم ترین موانع توسعه یاد میشود. با توجه به فراگیر بودن فساد اداری در افغانستان، پیشنهاد میشود که بحث مبارزه با فساد اداری به عنوان بخشی از واحد های درسی آموزش عالی و مکاتب قرار داده شود. این یکی از بهترین و کم هزینه ترین روشهای مبارزه با فساد اداری است. (کریمی، ابراهیمی، ص ۷۳).

### ج: بیکاری :

چالش بیکاری در افغانستان مسئله ای جدی است و برای توسعه پایدار کشور حائز اهمیت است. افغانستان پس از سالها جنگ و ناپایداری، با مشکلات اقتصادی و اجتماعی مواجه است. توسعه ممکن است از طریق کار و تحقیقات بیشتر در زمینه های مختلف مانند آموزش، سلامت، زیرساختها، و کمک به بخش های اقتصادی صورت بگیرد.

استفاده از منابع طبیعی مانند معادن و کشاورزی میتواند به اشتغالزایی و توسعه پایدار کمک کند. همچنین، حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط، تشویق به کارآفرینی، و ایجاد بسترهای مالی برای افراد میتواند به کاهش بیکاری راهکار باشد.

توسعه تحصیلات و آموزش مهارت‌های مورد نیاز در بازار کار نیز اهمیت دارد. ارتقاء سطح دانش و مهارت‌ها، افراد را برای شرکت فعال در اقتصاد آماده می‌کند. البته، این مسائل نیاز به تلاش‌های گسترده از سوی دولت، سازمان‌های بین‌المللی، و جامعه مدنی دارد تا بهبودی قابل توجهی در شرایط اقتصادی و اجتماعی بوجود آید.

د: ناکارآمدی نظام اداری: یکی از چالش‌های مهم در مسیر توسعه پایدار در افغانستان است. این چالش‌ها تأثیرات زیادی بر اقتصاد، امنیت، و رفاه اجتماعی کشور دارند. آنچه که ناکارآمدی نظام اداری بستر ساز برای فساد اداری که یکی از اصلی‌ترین مشکلات نظام اداری افغانستان است. که مشکلات بزرگی را میتواند در قسمت تبعیض در توزیع منابع، تعداد زیادی از پروژه‌ها و برنامه‌ها که به درستی اجرا نمی‌شوند که بر عدم اعتماد عمومی منجر شود. که در عرصه‌های مهم دیگر چون ناتوانی در مدیریت منابع مالی، تداخلات سیاسی در اداره کشور، نقص در زیرساخت‌های اداری، کمبود توانمندی کارکنان و تداخل میان ادارات را موجب میشود. برای مقابله با این چالش‌ها، نیازمند اصلاحات سازمانی، توسعه نظام مالی شفاف، ارتقاء توانمندی کارکنان، افزایش شفافیت و پاسخگویی نظام اداری است. همچنین حمایت از فرآیندها و سیاست‌های مبتنی بر اصول مدیریتی مؤثر می‌تواند به توسعه پایدار در افغانستان کمک کند.

### **راهکارهای توسعه**

راهکار برای مسیر ممکن برای توسعه پایدار در افغانستان با چالش‌های فراوانی روبرو بوده که در مبحث قبلی بر آن پرداخته شد. اما با اجرای راهکارهای مناسب، می‌توان بهبودی را در مسیر توسعه پایدار قابل توجهی در وضعیت کنونی را در نظر داشت. قبل از پرداختن به مسیر ممکن توسعه پایدار برای فهم بهتر به مفهوم و معنی توسعه پایدار می‌پردازیم.

### **توسعه**

واژه توسعه (Development) در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است، همچنان در فرهنگ لغات آکسفورد، توسعه (Develop) به معنی خروج از لفاف (Envelope) همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که گفته میشود جوامع توسعه نیافته برای متجدد شدن باید از لفاف خود خارج شوند.

امروزه معنای توسعه ابعاد مختلفی مانند توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و غیره را می‌رساند و از همین جا است که اهداف توسعه پایدار شامل ۱۷ هدف اساسی و ۱۶۹ زیر شاخه‌های مربوط به خود

بوده فراگیر می باشد. رابطه بین توسعه و مشارکت یک رابطه دو سویه است زیرا توسعه باعث ایجاد فضای مشارکت در جامعه گردیده و از سوی دیگر مشارکت تحقیق توسعه و به ثمر رسیدن آن را تسریع می بخشد.

مساله توسعه سیاسی چتر بزرگی از موضوعات مهم مانند استقرار دموکراسی، نوگرایی سیاسی، توسعه اقتصادی - اداری، بسیج و قدرت و برخی مفاهیم دیگر را احتوا میکند.

درجه توسعه یافتگی جوامع بستگی به استفاده بهینه از تمامی توان نیروی انسانی آنها دارد. با توجه به اینکه زنان نیمی از پیکر نیروی انسانی جوامع بشری را تشکیل میدهند، میزان حضور و مشارکت آنان در اداره امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاثیر به سزایی در درجه توسعه یافتگی کشورها دارد. از این رو امروزه تقریباً در تمام کشورها بر مشارکت نیروی زنان با مردان برای نیل به توسعه تاکید شده است (السادات زاهد، ۱۳۶). در دهه های اخیر تحولات چشمگیری در وضعیت مشارکت زنان در توسعه رخ داده و کاهش نابرابری های جنسیتی، جزو جدایی ناپذیر فرآیند توسعه شده است. (رامزپور، ۲۲)

**الف: تقویت امنیت:** تقویت امنیت یکی از تهداب و عوامل اساسی در توسعه پایدار هر کشور است، و افغانستان نیز از این قاعده مستثنی نیست. امنیت قوی باعث جلب سرمایه گذاری، تسهیل توسعه اقتصادی، حمایت از آموزش و بهداشت، و ایجاد زیرساخت های اساسی می شود.

**ب: ترویج آموزش و پرورش:** ترویج آموزش و پرورش یکی از عوامل اساسی در توسعه پایدار کشورها است. در افغانستان نیز، این حوزه با توجه به چالش هایی که با آن روبرو است، اهمیت بسیاری دارد.

در عصر کنونی که بعضی از جوامع بشری در پی تقلا برای عبور از مدرنیته به پست مدرنیته اند، هنوز هم برخی دیگر از جوامع بشری در برابر مدرنیته مقاومت می کنند. تقابل با مدرنیته و یا عدم استقبال از آن، بعضاً به خود جوامع بشری برمی گردد و بعضاً به صورت جبری توسط حاکمیت ها بر جوامع بشری اعمال می شود. بی سواد، قبیله گرایی، مذهب محوری و ناخردمندی در ناپذیرا بودن مدرنیته موثر است. از سوی دیگر، حاکمیت های استبدادی و غیردموکراتیک، مذهبی و قومی برای بقای خود در تقلا برای نگه داری جوامع در وضعیت سنتی اند؛ زیرا جوامع سنتی از حقوق بشری و سیاسی خویش به صورت مطلوب آگاهی ندارند و برای رسیدن به آن، مساعدت لازم را انجام نمی دهند.

یکی از اساسی ترین موارد برای عبور جوامع از وضعیت سنتی و گرایش به سوی مدرن شدن، کسب علم و از آن مهم تر نوعیت علم است. بدون تردید تنها یک شاخه از علوم به تنهایی نمی تواند جامعه را از سنتی بودن به سوی مدرن شدن سوق دهد. جوامع برای مدرن شدن، به همه شاخه های علوم نیازمند

است؛ زیرا بی‌توجهی و یا نادیده گرفتن یکی از علوم می‌تواند در روند مدرنیته خلل ایجاد کند و یا از سرعت آن بکاهد. از سوی دیگر، اگر همه علوم در یک جامعه مورد خوانش قرار گیرد و از سوی جامعه پذیرفته شود، می‌تواند منجر به تسهیل مسیر مدرن شدن جامعه و در نهایت تکمیل فرایند مدرنیته گردد. جدا از پذیرش فراگیری علوم توسط جامعه، آنچه اساسی و بنیادی است، نصاب درسی و یا مواد درسی برای فراگیری علم است. بدون اغراق می‌توان ادعا کرد که کلیدی‌ترین شاخص فراگیری علم برای مدرن ساختن جامعه، همان نصاب درسی است.

امروزه جهان چون دهکده‌ای است که همه مردم با آن بلدییت و آشنایی دارند و آنچه در دهکده اتفاق می‌افتد، از چشم اهالی و مردم دهکده پنهان نمی‌ماند. دیری است که از جهانی شدن و مفاهیم مرتبط به آن سخن به میان است و به نحوی مورد پذیرش عموم قرار گرفته است. این وضعیت با گسترش ارتباطات جمعی و همه‌گانی شدن فضاهاى مجازى، حالت واقعى به خودش گرفته است. امروزه خیلی از دانشگاه‌هاى برتر دنیا همواره برای انتشار و گستردن علم به شیوه‌هاى مختلف ارتباط برقرار می‌کنند که این موضوع در خصوص برقراری ارتباط بین مکاتب و مدارس و حتا دیگر نهادهای علمی و پژوهشی نیز به وقوع می‌پیوندد. دریغا که مراکز و نهادهای آموزشی دولتی که تحت قیود سخت حاکمان قرار دارند، به‌آسانی نمی‌توانند خود را به استندردهای قابل قبول برسانند و یا حتا برای آموزش بهتر از مدل‌های کشورهای دیگر نمونه‌برداری کنند. متأسفانه این وضعیت برای نهادها و مراکز آموزشی شخصی نیز حالت قابل توصیف و مطلوبی ندارد.

بنابراین، برای بهتر شدن شرایط زنده‌گی، مردم و جامعه افغانستان باید اهتمام ورزند تا جامعه از وضعیت سنتی که منفعت عموم در آن نهفته نیست، عبور کند و زمینه خلق جامعه مدرن که قطعاً ساختار اجتماعی‌اش عدالت‌محورتر نسبت به جامعه سنتی است، فراهم شود.<sup>2</sup>

**ج: توسعه صنایع محلی:** توسعه صنایع محلی از جمله عوامل اساسی در تحقق پایداری اقتصادی و اجتماعی در هر کشوری است، و این امر به خصوص در افغانستان که از دهه‌ها به دلیل جنگ و ناامنی با چالش‌های بسیاری روبرو بوده است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

---

<sup>2</sup> . (<https://8am.media/fa/the-role-of-education-in-passing-from-traditional-society-to-modern-society-in-afghanistan/>, n.d.)



سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه ۷۵ کشور را به شمول افغانستان بعنوان کشور های شکنند تقسیم بندی نموده است. چارچوب با این دیدگاه که «شکننده گی مفهوم چند بعدی در اقتصاد، محیط، سیاسی، امنیتی و ابعاد اجتماعی» اگرکاهش نباید است نتایج منفی توسعه ای داشته باشد.

افغانستان در همه بخش ها به شدت شکننده است. هر گونه تعامل باید به خوبی هدف قرار گیرد و کمک کننده گان باید چندین ساحه را: تقویت ساختار های حکومتی و موسسات، سرمایه گذاری در بخش ظرفیت سازی و چارچوب های قانون کارکردی و ایجاد محیط مناسب برای کسب و کار مورد حمایت قرار دهند. تعهد در افغانستان باید با توجه به اصول ۱۰ کشور شکننده باشد، که منجر به علامیه پاریس در مورد تاثیرات کمک ها در سال ۲۰۰۵ شده است، که رویگردی متفاوت برای کشور های شکننده ترویج نمود:

۱: در نظر داشتن وضعیت بعنوان نقطه شروع

۲: حصول اطمینان از عدم آسیب رساندن فعالیت ها

۳: تمرکز روی دولت بعنوان هدف اصلی

۴: جلوگیری از اولویت بندی

۵: درک روابط میان اهداف سیاسی، امنیتی و توسعه ای

۶: ترویج عدم تبعیض بعنوان اساس برای جوامع فراگیر و پایدار

۷: هم تراز شدن با اولویت های محلی در زمینه های مختلف با روش های مختلف

۸: موافقت مکانیسم هماهنگی عملی میان بازیگران بین المللی

۹: سریع عمل کردن، لیکن متعهد ماندن برای فراهم شدن فرصت برای موفقیت

۱۰: اجتناب از محروم سازی « کمک به یتیمان»<sup>۳</sup>.

توسعه صنایع محلی به عنوان یک استراتژی اقتصادی و اجتماعی می تواند نقش مهمی در ایجاد اشتغال، افزایش درآمد مردم، و کاهش وابستگی به واردات خارجی ایفا کند. تدابیر گفته شده نیازمند همکاری میان دولت، بخش خصوصی، و جامعه محلی هستند.

---

<sup>۳</sup> توسعه سکتور خصوصی و پالیسی های کار آفرینی در افغانستان، ۲۰۱۸، OECD، ص ۱۹

د: مشارکت سیاسی : مشارکت سیاسی تمام شهروندان در توسعه پایدار یک ابعاد اساسی از فرآیند توسعه است. مشارکت سیاسی به معنای فعالیت و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندهای سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی است. در افغانستان مشارکت سیاسی تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت و استوار بر اصول برابری می‌تواند به تحقق توسعه پایدار در این کشور کمک کند.

مشارکت سیاسی جهت حفاظت و تداوم حقوق سیاسی که فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمام داران مقامات سیاسی، شرکت جویند و یا در تصدی مشاغل سیاسی و اجتماعی کشور خود نایل گردند و یا در مجامع آزادانه عقاید و افکار خود را بیان نمایند صورت می‌گیرد.

مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان یک کشور بر اساس حقوقی است که شهروند آن را حایز می‌باشد و بیگانگان این حق را ندارند. مشارکت در انتخابات به صورت رأی دهنده و یا انتخاب شونده، مدیریت برخی مشاغل مانند وزارت، سفارت و امثال آن از مظاهر اعمال حقوق سیاسی است. دو شاخصه اساسی برای مشارکت زنان در بحث مشارکت سیاسی و اجتماعی وجود دارد که عبارت از حقوق زنان و دوم حضور زنان در مدیریت سیاسی جامعه ( اداره کشور) است. اما مطالعات و شواهد نشان می‌دهد که بستر سازی برای ایفای نقش‌های مشارکتی برای زنان در جوامع سنتی، عقب مانده، درگیر منازعات و در حال جنگ همواره با چالش‌های گوناگونی توأم می‌باشد و از همین جا است که با در نظر داشت آسیب پذیر بودن وضعیت زنان در چنین جوامع بیان داشت. (رامزپور، ص ۲۳).

در کل مشارکت سیاسی تمام شهروندان خصوصا در جامعه افغانستان به‌عنوان یک اصل اساسی در توسعه پایدار، نقش مهمی در افزایش شفافیت، اعتماد عمومی، و ایجاد جامعه‌ای پویا و پایدار ایفا می‌کند. این امر نیازمند هماهنگی بین دولت، جامعه مدنی، و مردم است.

**ی: ایجاد شفافیت در اداره مالیاتی :** استقرار شفافیت در اداره مالیاتی افغانستان، به عنوان یک جنبه اساسی در مسیر توسعه پایدار، اقدامی حیاتی و ضروری است. برای افزایش شفافیت در این حوزه، اقدامات مؤثر و سیاست‌های جدی لازم‌الاجراء است.

ابتدا، ایجاد شبکه مالیاتی الکترونیک است که به شهروندان و شرکت‌ها امکان پرداخت مالیات آنلاین و دسترسی به اطلاعات مالی خود را فراهم سازد، به عنوان یک ابزار اصلی مطرح می‌شود. سیستم الکترونیک سازی باید قابلیت نظارت و پیگیری تراکنش‌ها را بر اساس استانداردهای شفافیت فراهم شود.

ترویج اطلاع‌رسانی شفاف درباره ساختار مالیات، نرخ مالیات، و هدف استفاده از مالیات نیز از اهمیت ویژه برخوردار است. این اطلاعات باید به شیوه‌های قابل درک و دسترسی عمومی منتشر شوند، تا شهروندان بتوانند نقد و نظر خود را ارائه و در فرآیند تصمیم‌گیری مالیاتی شرکت کنند.

برنامه‌های آموزشی گسترده برای افزایش آگاهی عمومی از نقش مالیات در توسعه کشور نیز اقدامی مهم است. این آموزش‌ها می‌توانند با تأکید بر اهمیت مشارکت هر فرد در فرآیند پرداخت مالیات و تأثیر مستقیم آن بر ارتقاء سطح خدمات عمومی، ارتقاء فرهنگ مالیاتی مثبت را ایجاد کنند.

در کل، ایجاد شفافیت در اداره مالیاتی افغانستان نه تنها به بهبود عملکرد اداره مالیاتی کمک می‌کند بلکه ارتقاء اعتماد عمومی، کاهش فساد، و تسهیل در تحقق اهداف توسعه پایدار این کشور را تسریع می‌بخشد.<sup>4</sup>

---

<sup>4</sup> . توسعه سکتور خصوصی و پالیسی‌های کار آفرینی در افغانستان، ۲۰۱۸، OECD، ص ۱۵

## نتیجه گیری

در قرن ۲۱، مسیر های ممکن برای توسعه پایدار افغانستان با چالش ها و فرصت های فراوانی روبروست. این کشور پس از سال ها تحت تأثیر جنگ، ناپایداری سیاسی، و مشکلات اقتصادی قرار گرفته است. اما همچنین، افغانستان دارای پتانسیل ها و منابع فراوانی است که با استفاده صحیح و توسعه دهنده، می تواند به تحقق توسعه پایدار در این دهه نیز بیانجامد.

راهکارهای توسعه پایدار در افغانستان شامل تقویت زیرساخت ها، توسعه بخش کشاورزی، ترویج آموزش و پرورش، افزایش امنیت، ایجاد شفافیت در اداره مالیاتی، و ترویج کارآفرینی می شوند. همچنین، همکاری بین المللی و تعامل با جوامع محلی نقش مهمی در تحقق این اهداف ایفا می کنند.

توسعه پایدار در افغانستان نیازمند تعهدات مستمر دولت محلی، حمایت بین المللی فعال، و مشارکت فعال مردم است. ایجاد حکومت شفاف و کارآمد، تسهیلات برای سرمایه گذاری ها، توجه به نیازهای زیرساختی و اقتصادی، و تقویت امنیت منطقه ای از عوامل مهم در توسعه پایدار افغانستان هستند.

با این وجود، همچنان باید توجه داشت که مسیر توسعه پایدار در افغانستان دشوار و پیچیده است و نیاز به تداوم تلاش ها، هماهنگی بین المللی، و رویکردهای شامل و مستدام دارد. در طول این مسیر، نقش همگانی مردم افغانستان در فرآیند توسعه و تصمیم گیری ملی نیز باید تقویت شود.

## منابع :

- ۱: رنگین دادفر، سپنتا ، ۱۳۹۶، سیاست افغانستان : روایتی از درون ، عازم
- ۲: رامزیور ، محمد ابوالحرار ، ۱۴۰۰، مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در افغانستان ، AELSO
- ۳: فرهاد ، احمد ، ۲۰۱۸، توسعه سکتور خصوصی و پالیسی های کار آفرینی در افغانستان ، OECD،
- ۴: کریمی ، حسین علی ، ابراهیمی ، غلامرضا ، ۱۳۹۴، تصویر فساد در افغانستان ، انستیتوت مطالعات  
استراتژیک افغانستان
- ۵: میثاق مبارزه علیه فساد اداری، ۱۳۸۶، نمبر مسلسل ۹۳۶، وزارت عدلیه
- ۶: (<https://8am.media/fa/the-role-of-education-in-passing-from-traditional-society-to-modern-society-in-afghanistan/>, tarih yok)